



کتابخانه پیرنهاد پیرنهاد پیرنهاد

زهرا حسینی

کاش یک پرنده بودم

زہرا حسینی



اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش‌های
دفاع مقدس استان همدان

ناشر: انتشارات حماسه ماندگار

طراح جلد: سہیل محمدی

صفحہ آرایسی: خلیل اللہ بیک محمدی

چاپ اول: پاییز ۱۳۹۷

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

شماره: ۹۷۸-۶۲۲-۹۵۱۳۰-۰-۲

سموئيل بن ابي اسحق: حسيني، زهرا، ١٣٦٤ -

عنوان و نام پدیدآور: کاش یک پرندہ

بودم/ زهرا حسینی؛ [برای] اداره کل حفظ آثار

و نشر ارزش‌های دفاع مقدس استان همدان.

150

من خصات ظاهري: ١٨٦ ص: ٢١/٥ × ١٤/٥

•

۹۷۸-۶۲۲-۹۵۱۳۰-۰۰۲: ۱۴۰۰: شابک:

مت فویسی: فیفا

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷

— شمع میدان — سرگذشت نامه

ar, 15 9-1988 موضوع

- Party. -- Biography

موضوع: شهیدان - ایران - زن -

از ماندن - خطرناک

Survivors -- Diaries

Survivors — Diane

نشہاء، دفاع مقدس، ادارہ کا حفظ

بہارِ شاہی، دفاع مقدس، استان همدان

دده بندی کنگره: ۵: ۱۳۹۷ کی ۵۵/۱۶۲۵ DSR

دهبندی دیویش: ۹۵۵/۰۸۴۳۰۹۲۲

سماړه كتابشناسي ملي: ۵۵۱۱۱۱۹

آدرس: همدان، بلوار بعثت، نرسیده به
استادداری، بین خیابان شکریه و خیابان
هنرستان.

تلفن: ۰۸۱-۳۸۳۷۹۰۰۰

فهرست مطالب

۱۳	مقدمه
۱۷	لباس مناسب
۱۹	روزه‌ی قضا
۲۰	لباسم خشک نمی‌شود
۲۲	نوبت
۲۴	حکم شهادت
۲۶	بدرقه‌ام نکنید
۲۸	اعزام به خدمت
۲۹	شیرحلال
۳۱	شفا
۳۴	باورش نشد
۳۶	قرعه‌کشی
۳۹	دیدار ما به قیامت

۴۱	دل خوشی
۴۴	سواد
۴۶	پسرشانزده ساله ام برای خودش مَرَدی شده بود
۴۸	خمس
۵۰	سهم انگور
۵۳	شهید همدانی تسلی ام داد
۵۶	به نام پدر
۶۰	همان
۶۵	از شما انتظار نداشتم
۶۷	دختری ششم
۷۱	داماد
۷۲	عکس
۷۴	اوج
۷۵	پنج ریالی
۷۷	الوعده وفا
۷۸	هر دو
۸۰	عیدی
۸۱	جواب نامه
۸۳	نذر
۸۵	مسافر
۸۷	بیا حسینبت را
۸۹	خبرتقی ها را گرفتم
۹۲	امانتی
۹۴	برادر
۹۶	قانعم کرد
۹۸	رسم رفاقت

۱۰۰	خودکار قرمز
۱۰۲	نشانی
۱۰۳	پیدایم کنید
۱۰۵	زیارت
۱۰۷	قبر خالی اش پرشد
۱۰۸	مادر
۱۱۰	لباس
۱۱۱	خاطره
۱۱۳	کاش یک پنده بودم
۱۱۵	وصیت
۱۱۷	نامه
۱۱۹	وقتی بیدار شدم آرام بودم
۱۲۱	بیت المال
۱۲۳	خبری که نیامد
۱۲۴	مطیع
۱۲۶	بی بازگشت
۱۳۰	روز سوم
۱۳۴	گاهی به ما سر می زند
۱۳۶	آماده باش
۱۳۷	کیسه ی طلا
۱۴۲	ما خواب بودیم
۱۴۳	فراری
۱۴۵	آرزو
۱۴۸	پنج روز شیرین
۱۵۷	زیبایی
۱۵۹	حسرت

۱۶۱	حساب کتاب
۱۶۳	مهریه
۱۶۴	حلالیت کردم
۱۶۷	پسری مثل صمد ابراهیمی
۱۶۹	پنج تا بوس خدا حافظی
۱۷۲	شعار
۱۷۴	بچه های انقلابی
۱۷۷	آوار
۱۸۰	دوباره می خوانم
۱۸۲	برادر
۱۸۴	شریذ

www.ketab.ir

هر نویسنده که قلم می‌زند، روزها و ساعت‌هایش گره می‌خورد به کلمه و جمله باید لحظه‌ای را در جگر کرده باشد که یک روز می‌رسد به نقطه‌ای پراز تردید، پراز دل‌واپس و یا انودش فکرمی‌کند آیا رسیده است به آنچه باید می‌رسید؟ آیا توانسته‌ام پر کند سبوی تشنه‌ای که باید پرمی‌کرده از ادبیاتی که نامش را بهر کرده‌اند بر پیشانی‌اش؟ تازه همان موقع است که صفحه به صفحه و بیت به بیت نوشتن‌هایش را به یاد می‌آورد و خوش به حال کسانی که دنیای بی‌تکس و واژه‌ها را به سرزمین سراسر پاکی کاغذها فرستاده‌اند و سر بلند نا انیسه نویسی نیک‌نامان تاریخ.

مجموعه‌ی حاضر روایتی است عاشقانه از عاشق‌ترید و همایون که باید به پایشان ایستاد و تا ابدیت برایشان کف زد. آنچه در این واژه‌ی این اثر نهاده شده عرض ارادت است که با قلم ناتوان به شهدای شهرستان رزن تقدیم شده است. امید آن دارم که توانسته باشم رسالت خویش را به قدر بضاعت ادا کرده باشم.

تمامی مطالب این مجموعه با تکیه بر خاطرات پدران، مادران، همسران و هم‌زمان شهادت است. آنچه در مقابل نگاه مخاطب قرار

گرفته نتیجه‌ی زحمات گروه عظیمی از دوستداران منش و سیره‌ی
شهادت که وقت زیادی صرف کرده‌اند و افتخار ثبت مصاحبه‌های
طولانی و ویدئویی انجام شده را به بنده محول کرده‌اند. امیدوارم
لایق این اعتماد بوده باشم.

باید از زحمات چند عزیز قدردانی کنم: جناب آقای احمد غفرانی، سرکار خانم معصومه رضایی و بیش از همه جناب آقای طیب سعیدی.

پوتین های صاحبان اصلی این مجموعه جا مانده است در ذهن و بدن آنها شد رستان رزن یادگار بماند.

زہرا حسینی

دائریہ ۱۳۹۷